

# کروناز

عکاس: اعظم لاریجانی



جهان همواره دستخوش ناملایمات بوده است؛ ناملایماتی که اغلب در قالب رخداد‌های بزرگ ملی و منطقه‌ای، و گاهی جهانی نوع بشر را به مبارزه طلبیده‌اند. افزایش گازهای گلخانه‌ای، گرم شدن کره زمین، تخریب محیط زیست، بیابان‌زایی، انقراض گونه‌های مختلف گیاهی و حیوانی، قحطی و گرسنگی، جنگ‌های جهانی و منطقه‌ای، نسل‌کشی، سیل و زلزله و بیماری‌های مسری و از همه مهم‌تر سقوط عدالت و معنویت در برخی جوامع، همه و همه ناملایمات و رنج‌هایی هستند که زندگی و سعادت انسان‌ها را به چالش کشیده و تأثیرات منفی بسیاری بر زندگی آن‌ها گذاشته‌اند.

تجربه و تاریخ نشان می‌دهد که بسیاری از این ناملایمات، رنج‌ها و بحران‌ها نتوانسته‌اند به حد و اندازه بحران جدید، که ناشی از ویروس کووید ۱۹ (کرونا) است، زندگی انسان‌ها را در کره زمین تحت تأثیر قرار دهد و نوع بشر را به مبارزه بطلبد. پیشرفت‌های علمی و زندگی و تجربه‌های زیسته حدود ۷۸ میلیارد انسان در طول تاریخ، در مقابل قدرت و تهاجم این ویروس به‌غایت کوچک و نادیدنی با چشمان غیر مسلح، کرنش کرده و حتی به زانو درآمده است و این درس عبرتی برای صاحبان خرد و اندیشه است و غرور و تکبر انسان‌ها را به سُخره می‌گیرد. حال با گسترش و جهان‌گیر شدن این وبای مدرن و ویروس منحوس، به روشنی بسیاری از آیات الهی قرآن کریم را که پیش از این، ما انسان‌های عجول و هلوع آن‌ها باور کردنی نمی‌دانستیم و به تمسخر می‌گرفتیم، به باوری شکفت تبدیل شده‌اند؛ مثلاً پشه‌ای که باعث مرگ نمورد شد.

در این گذرگاه تاریخی و در روند ناملایمات جهانی موجود، افکار و اندیشه‌ها، قلم‌ها، صداها و رسانه‌های مختلف سنتی و مدرن به حرکت درآمدند و داستان‌سرایی‌های بسیار درباره قدرت مخرب این ویروس آغاز شد. همه متخصصان، اهالی اندیشه و قلم، صاحب‌منصبان، نظامیان، سیاسیون، اهل مذاهب و ادیان و ... زبان به تجزیه و تحلیل و گمانه‌زنی گشودند و به قضاوت و اظهار نظرهای شهودی و برخاسته از خبرگی پرداختند و تا امروز قریب چند صد هزار نوشته و میلیون‌ها فایل صوتی و تصویری در زمینه این اتفاق بزرگ در دسترس همگان قرار گرفته و اغلب این نوشتارها و گفتارها در حد گمانه‌زنی و بیان احتمالات و پیش‌نهادها بوده است. علم طب و پزشکان و اهالی آزمایش و آزمایشگاه‌ها نیز همه داشته‌های خویش را در بازارهای جهانی عرضه کرده که گرچه منشأ خدمات بسیاری بوده‌اند ولی هنوز نتوانسته‌اند در برابر این ویروس به‌غایت کوچک حرف قاطع و محکمی بزنند.

مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی ناشی از این بحران و همه‌گیری جهانی آن، از زوایای مختلف و به روش‌های گوناگون قابل بررسی و تجزیه و تحلیل است. در ذات پیچیدگی‌های دنیای معاصر، مواجهه مستمر افراد و سازمان‌ها با انواع بحران‌های

محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی اجتناب‌ناپذیر است. بر مبنای این فرضیه، دستگاه تعلیم و تربیت به‌ویژه مدارس، به دلیل ماهیت، گستردگی و ساختارهای فعلی، از جمله آسیب‌پذیرترین سازمان‌ها در شرایط بحرانی هستند. عناصر ساختاری مدارس فعلی، تا حدود زیادی دانش‌آموزان و معلمان را به موجوداتی منفعل و غیرمسئول تبدیل کرده‌اند که در رویارویی با اندک بحرانی، متحیر و درمانده می‌شوند. این وضعیت شباهت زیادی به مفهوم «درماندگی آموخته‌شده» دارد؛ یعنی همه عناصر مدرسه‌ای آموخته‌اند که از مواجهه با بحران خردی در حد آماده نبودن کتاب درسی، تا کلان‌رویدادهای همه‌گیر جهانی، عملاً کاری نمی‌توانند بکنند و باید منتظر باشند. و این امتیازی منفی برای همه کسانی است که تاکنون در مسئولیت‌های کلان آموزش و پرورش حضور داشته‌اند. در این راستا، دغدغه‌ها و مسئله‌های بسیاری در حوزه تعلیم و تربیت مطرح است که در این مجال می‌توان به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره کرد. قبل از طرح سؤال بد نیست اشاره شود که بحران ناشی از همه‌گیری جهانی ویروس کرونا به حساس شدن اذهان کمک کرده و آن را در شرایط پذیرش بیشتری برای اندیشیدن درباره بهداشت، اقتصاد و آموزش و پرورش قرار داده است. بدون شک، آموزش و پرورش که یکی از مسائل اصلی و مهم جامعه تلقی می‌شود شایسته آن است که از هر فرصتی برای پرداختن به آن استفاده شود.

اما برخی مسئله‌های اصلی و قابل تأمل:

- تجربه کرونا در ایران چه تغییراتی را در اجرای سیاست‌های کلان ایجاد خواهد کرد؟ آیا تعلیم و تربیت آن گونه که بارها مورد تأکید و مطالبه رهبری بوده است، در نظام جمهوری اسلامی ایران اولویت خواهد یافت؟

- بحران کرونا چه تغییراتی در عوامل آموزش و عناصر برنامه درسی (منطق، هدف، محتوا، روش ارزشیابی، زمان، مکان، تجهیزات، معلم و ...) به وجود خواهد آورد؟ آیا موجب بازنگری در آن‌ها خواهد شد؟

- تجربه کرونا موجب چه تغییراتی در مناسبات اجتماعی و اقتصادی ایران خواهد شد؟ آیا این تجربه به این باور که هزینه در آموزش و پرورش سرمایه‌گذاری است نه مصرف، منجر خواهد گردید؟

- آیا تجربه کرونا موجب افزایش سهم هزینه آموزش در بودجه عمومی کشور و نیز در سبد هزینه‌های خانوار خواهد شد؟

- آیا این تجربه، الگوی مدرسه‌داری ایران را متحول کرده و ارتقاء خواهد داد؟ آیا تأثیر معناداری در آموزش‌های سایه‌ای خواهد گذاشت؟

و بسیاری از این گونه پرسش‌ها که مطرح‌اند و مطرح خواهند شد. پیشنهاد می‌کنم مدیران، مربیان و کارشناسان آموزش و پرورش درباره این پرسش‌ها اندیشه کنند و قلم بزنند و حاصل آن را در اختیار این نشریه نیز قرار دهند. ■